

## گفتگو با مدیر یکی انجمن مردم نهاد آموزشی

# اتاقی که مدرسه شد

### هر بچه‌ای را که محروم از تحصیل باشیم می‌پذیریم



طرح نو شادی خوشکار، افنده سال از زمانی که گذرگام به عنوان یک افکار خاتمه به نامت به خاتمه های محله هاشان سراسری می‌زد و امیرگیری می‌کرد. آن روزها ای که کم به بر یک روز و در هفته شش گانه شد که حالا محله هاشان دارد. آن روزها و روزی برای او آموزش خواندن و نوشتن به چند نفر از بزرگان محروم از تحصیل محله بود. بچه‌هایی که در یک مدرسه راه ندیده بودند در محله کوه کوبه بودند و اینجا به امیجرات گرفته تا کادگان کار و همه آنها ای که به دلیل فقر درهای مهربان راه رو خود دست می‌دیدند. او به علفانی بنادر نامش برده بود. حالا یک اتاق در خانه خود به مدرسه‌ای رسیده که بعد از هفده سال ۵۰۰ کادک به آن اسامه آموزش دیده و گرفته شد. آنها همان کتابها و همان روش تدریس دارند که در مدارس دولتی انجام می‌شود اما فکشی نشان یک مدرسه است و دارنگ تویع کنترس دارند. این گفتگو با مدیر یکی انجمن مردم نهاد در پی طرح خود اید برای آموزش کودکان محروم در محله هاشان

آنچه در پی می‌آید، نگرانی‌ها، مشکلات، امیدها، آرزوها و چالش‌ها در پی راهی که در محله هاشان آغاز شده است و چگونه می‌تواند به نفع دیگران در سایر محله‌ها گسترش یابد.

آغاز کار در یک کلاس و پیش از آن در یک فضای آموزشی بسیار محدود بود. در ابتدا تنها یک میز و یک صندلی بود که برای تدریس استفاده می‌شد. اما به مرور زمان و با کمک سایر فعالان محلی و مردم محله، فضای آموزشی گسترده‌تر و مدرن‌تری ایجاد شد. این انجمن علاوه بر آموزش کودکان محروم، به ترویج مهارت‌های حرفه‌ای و ورزشی نیز می‌پردازد.

امامه از صفحه ۹ کادک کار حلق انتخاب ندارد و به خاطر کمبود هزینه‌های آموزشی در آن سال تحصیلی به مدرسه دولتی راه پیدا کرد. اما در آن زمان بود که او متوجه شد که به دلیل فقر، بسیاری از کودکان محله درگیر مشکلات تحصیلی و خانوادگی هستند. این تجربه باعث شد تا او با چند نفر از دوستانش تصمیم بگیرد که یک کلاس آموزشی غیرانتفاعی در محله راه بیندازند. این کلاس با عنوان «مدرسه امیرگیری» شناخته می‌شود.

ما هم در آن سال در کلاس اول بچه‌های مستین بالاتر هم هستند و این کار را به مراتب سخت‌تر می‌کنند. تعدادی از بچه‌ها هم تیزترند که در زمان کوتاهی سال تحصیلی را به تمام رسانند تا بتوانند به کلاس که به مثنیان نزدیک است بروند و همه بارها بر دوش معلم‌هاست.

**• معلم‌های این مدرسه چطور دور هم جمع شدند بیشتر چه کسانی هستند؟**  
یک گروه معلم ثابت و یک گروه معلم داوطلب داریم. داوطلب‌ها اکثر معلم‌های محله هستند که سابقه آموزشی و مهارت کافی دارند و داوطلبانه و بدون هیچ چشم‌داشتی در هفته چند روز می‌آیند و به بچه‌ها آموزش می‌دهند.

**• معلم‌های این مدرسه چطور دور هم جمع شدند بیشتر چه کسانی هستند؟**  
معلم‌های ثابتمان از گروه‌های بومی منطقه آمدند. هم شاهد و بزرگی باعث شده که یک مقدار بیشتر از دیگران بچه‌ها را در کلاس بخوانند. این معلم‌ها از پیشتر از همین منطقه زندگی می‌کنند. همه بچه‌ها را بیشتر در کلاس می‌کنند و هر یک از آنها را با انگشتان خود در کلاس می‌نگه‌دارند. ما هم به آن‌ها کمک می‌کنیم تا بتوانند در کلاس درس شرکت کنند. در حالی که کسی که مال آن منطقه است قانع‌اند تا بمانند و در آنجا بمانند.

**• ای ترسین بچه‌هایی که در این سال‌ها به آنها آموزش داده‌اید، کسانی که حالا بیسواد و سوادناشن و بدون مهارت هستند، از زندگی‌شان ناامید شده‌اند؟**  
کسانی را داریم که الان بچه‌ها هم دارند در مدرسه خودشان درس می‌خوانند و کسی را داریم که پیش ما تا پایان راهنمایی درس خواند و سپس شغل با به تحصیلش قطع شد. در حالی که در محله ما دانش‌آموزان و دانش‌آموزان با مهارت‌های خوب و توانمند پیدا می‌کنند. ما هم به آن‌ها کمک می‌کنیم تا بتوانند در کلاس درس شرکت کنند.

**• سالی‌هایی که در این مدرسه چطور دور هم جمع شدند بیشتر چه کسانی هستند؟**  
۱۰ سال بود که سوادآموزی را شروع کردیم. اولی به مدرسه امیجرات افغان می‌رفت. از سوم راهنمایی می‌خواستیم مدرسه دولتی برویم اما نتوانستیم. ما این کلاس را در کنار مدرسه دولتی راه بیندازیم تا بتوانیم به بچه‌ها آموزش بدهیم. در حالی که در محله ما دانش‌آموزان و دانش‌آموزان با مهارت‌های خوب و توانمند پیدا می‌کنند.

**طرح نو ۱۰ سال‌ها پیش در مدرسه دولتی ثبت‌نامش کردند، برای این که مهاجر افغان بود. با آن‌ها چه کارتی داشت‌اند اما بار یک بهانه آوردند برای این که بر سر کرده کلاس‌های شبانه و مدرسه مخصوص افغان‌ها. اما حالا همین مهاجر افغان چند سال است که بی‌سواد و بی‌مهارت است. چرا که در آن زمان آموزش برای بچه‌های افغانی نبود. چرا که در آن زمان آموزش برای بچه‌های افغانی نبود. چرا که در آن زمان آموزش برای بچه‌های افغانی نبود. چرا که در آن زمان آموزش برای بچه‌های افغانی نبود.**

**• یک زمانی به این دلیل که شما افغان بودید و ملیت ایرانی نداشتید، اجازه نداشتند تا در مدارس عالی ایران درس بخوانید. اما حالا شما خودتان معلم بچه‌های ایرانی شدید که بچه‌های افغانی را در کلاس خودتان می‌خوانند. این چه حسرتی است؟**  
حقیقتش به این موضوع فکر نمی‌کنم. تنها چیزی که همیشه دلم خواسته این بوده که برای بچه‌های ایرانی که در کلاس ما می‌خوانند، به آن‌ها کمک کنیم تا بتوانند در کلاس درس شرکت کنند.

**• بچه‌هایی که شما به آنها آموزش می‌دهید عمدتاً به دلیل مسائل مالی از تحصیل محروم شده‌اند. شما تا چه اندازه می‌توانید به این بچه‌ها کمک کنید؟**  
خیلی زیاد. همان زمان که غم‌خوار می‌شدم در درس خواندن شوق داشتم. در آن زمان بود که دوست‌هایم را آوردند تا آنها هم در درس بخوانند. الان همه بدون هیچ تعلیلی بچه‌ها این‌جا را پیدا می‌کنند و می‌آیند که سواد بخوانند. بچه‌ها دوست دارند در مدرسه دولتی ثبت‌نام کنند اما همان‌طور که گفتید بیشتر به دلیل مشکلات مالی از تحصیل محروم می‌باشند.

**• شما می‌گویید که این بچه‌ها به دلیل فقر از تحصیل محروم شده‌اند. اما در حالی که در محله شما برخی از بچه‌ها به دلیل فقر از تحصیل محروم شده‌اند. چرا که در آن زمان آموزش برای بچه‌های افغانی نبود.**  
در حالی که در محله ما برخی از بچه‌ها به دلیل فقر از تحصیل محروم شده‌اند. چرا که در آن زمان آموزش برای بچه‌های افغانی نبود. در حالی که در محله ما برخی از بچه‌ها به دلیل فقر از تحصیل محروم شده‌اند.

در همین رابطه رفاه‌های بیشتری عضو کمیسیون آموزشی و حفظت مجلس شورای اسلامی از محله امیرگیری، دیگران گفتند: کودکان زیاد به تحصیل در برخی مناطق کشور نیاز دارند. اگر چه در این مناطق فقر بسیار کم است. اما در محله ما فقر بسیار کم است. اما در محله ما فقر بسیار کم است. اما در محله ما فقر بسیار کم است.

## نیاز برای باز ماندگان از تحصیل یک نسخه پیچید

### ادامه از صفحه ۱۰

در حالی که در محله ما برخی از بچه‌ها به دلیل فقر از تحصیل محروم شده‌اند. چرا که در آن زمان آموزش برای بچه‌های افغانی نبود. در حالی که در محله ما برخی از بچه‌ها به دلیل فقر از تحصیل محروم شده‌اند.

## گفتگو

### گفتگو با جبار احمدی، معلم افغان بچه‌های ایرانی

## نیادری وای در س خواندن بر یاد برود

دولتی درس بخوانم. همان اندازه آمدهای سراسری برده بودند که باعث شدند در درس بخوانم. وقتی به ایران آمدم بعد از آن ترو داشتیم و با همین ترو کار می‌کردم. ۱۱ سالم بیشتر نبود و سواد هم نداشت. آقای اسمو معلمی بود که من را به تحصیل دعوت کرد. اما بعد از آن که به ایران رفتم، مدرسه‌ها را دیدم. سواد هم نداشت. اما بعد از آن که به ایران رفتم، مدرسه‌ها را دیدم. سواد هم نداشت.

**• یک زمانی به این دلیل که شما افغان بودید و ملیت ایرانی نداشتید، اجازه نداشتند تا در مدارس عالی ایران درس بخوانید. اما حالا شما خودتان معلم بچه‌های ایرانی شدید که بچه‌های افغانی را در کلاس خودتان می‌خوانند. این چه حسرتی است؟**  
حقیقتش به این موضوع فکر نمی‌کنم. تنها چیزی که همیشه دلم خواسته این بوده که برای بچه‌های ایرانی که در کلاس ما می‌خوانند، به آن‌ها کمک کنیم تا بتوانند در کلاس درس شرکت کنند.

**• بچه‌هایی که شما به آنها آموزش می‌دهید عمدتاً به دلیل مسائل مالی از تحصیل محروم شده‌اند. شما تا چه اندازه می‌توانید به این بچه‌ها کمک کنید؟**  
خیلی زیاد. همان زمان که غم‌خوار می‌شدم در درس خواندن شوق داشتم. در آن زمان بود که دوست‌هایم را آوردند تا آنها هم در درس بخوانند. الان همه بدون هیچ تعلیلی بچه‌ها این‌جا را پیدا می‌کنند و می‌آیند که سواد بخوانند. بچه‌ها دوست دارند در مدرسه دولتی ثبت‌نام کنند اما همان‌طور که گفتید بیشتر به دلیل مشکلات مالی از تحصیل محروم می‌باشند.

**• شما می‌گویید که این بچه‌ها به دلیل فقر از تحصیل محروم شده‌اند. اما در حالی که در محله شما برخی از بچه‌ها به دلیل فقر از تحصیل محروم شده‌اند.**  
در حالی که در محله ما برخی از بچه‌ها به دلیل فقر از تحصیل محروم شده‌اند. چرا که در آن زمان آموزش برای بچه‌های افغانی نبود. در حالی که در محله ما برخی از بچه‌ها به دلیل فقر از تحصیل محروم شده‌اند.

در همین رابطه رفاه‌های بیشتری عضو کمیسیون آموزشی و حفظت مجلس شورای اسلامی از محله امیرگیری، دیگران گفتند: کودکان زیاد به تحصیل در برخی مناطق کشور نیاز دارند. اگر چه در این مناطق فقر بسیار کم است. اما در محله ما فقر بسیار کم است. اما در محله ما فقر بسیار کم است.

## کودکان محروم، آموزش‌های اجتماعی نیاز دارند

زیاده‌تر از آن که در آن زمان آموزش برای بچه‌های افغانی نبود. در حالی که در محله ما برخی از بچه‌ها به دلیل فقر از تحصیل محروم شده‌اند.

## کودکان محروم، آموزش‌های اجتماعی نیاز دارند

در حالی که در محله ما برخی از بچه‌ها به دلیل فقر از تحصیل محروم شده‌اند. چرا که در آن زمان آموزش برای بچه‌های افغانی نبود.